

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحة اول

٣ صفحة اول

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: ۱۸۶)

مهندسی فرایند دعا



Praying Process Engineering

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر: ۶۰)

سجاد شبانی قهرودی (سین.شین.قاف)

امام حسن عسگری (ع):

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه (حقیقت) عبادت،
زیاد در کار خداوند اندیشیدن است!^۱

وز معدن زر خیر ندارد	بیچاره کسی که زر ندارد
طوطیست ولی شکر ندارد	بیچاره دلی که ماند بی تو
افسوس که آن دگر ندارد	دارد هنر و هزار دولت
ما بدهیمش اگر ندارد	می گوید دست جام بخشش
گر آب بر آن جگر ندارد	بر وی ریزیم آب حیوان
زان برگ که شاخ تر ندارد	بی برگان را دهیم برگی
گویند دعا اثر ندارد	آن‌ها که ز ما خبر ندارند
آن را که به ما نظر ندارد	نزدیک آمد که دیده بخشیم
جز دست خدای بر ندارد ^۲	خاموش که مشکلات جان را

آلبرت انیشتین:

من می‌خواهم بدانم که خدا چگونه این جهان را خلق کرده است.
پدیده‌های دیگر برایم اهمیتی ندارند. من فقط می‌خواهم افکار
خدا را بدانم؛ ما بقی جزئیاتند.^۳

^۱ - لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ (تحف العقول، ص ۴۴۸).

^۲ - مولوی.

^۳ - I want to know how God created this world. I am not interested in this or that phenomenon, in the spectrum of this or that element. I want to know His thoughts; the rest are details (Albert Einstein).

فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار
۱۰.....	مقدمه
۱۲.....	*درباره کتاب
۱۲.....	**روش استفاده از کتاب
۱۷.....	فصل صفرم: جهان‌بینی‌ات را انتخاب کن
۱۸.....	*جهان‌بینی‌ات را انتخاب کن
۳۱.....	فصل اول: ارزش و جایگاه دعا را می‌دانی؟
۳۲.....	*ارزش و جایگاه دعا را می‌دانی؟
۳۳.....	**اعتنای خداوند به هر کس به اندازه دعای اوست
۳۴.....	**دعا گرمی‌ترین چیز نزد خداست
۳۵.....	**دعا کلید گنجینه رحمت خداوند است
۳۶.....	**دعا نشانه شناخت خدا و عصاره عبادت است
۳۷.....	فصل دوم: از قدرت دعا غافل نشو
۳۸.....	*از قدرت دعا غافل نشو
۳۹.....	**دفع بلا
۴۲.....	**اسلحه مؤمن
۴۴.....	**شفای بیماری‌ها و نجات از مرگ
۴۶.....	**تغییر تقدیر
۴۹.....	فصل سوم: قوانین استجاب دعا را بیاموز
۵۰.....	*قوانین استجاب دعا را بیاموز
۵۱.....	**قوانین پیش‌نیاز دعا
۵۱.....	***۱- وظیفه انسان و خدا
۵۷.....	***۲- انواع اجابت دعا
۶۰.....	***۳- اصرار در دعا
۶۴.....	***۴- تفاوت اجابت و تحقق دعا
۶۹.....	***۵- چه چیزهایی و چه مقدار باید از خداوند خواست؟

- ***۱- دعا فقط برای حاجت‌های بزرگ نیست ۶۹
- ***۲- زیاد و بزرگ خواستن از خداوند ۷۱
- ***قوانین قبل از دعا ۷۵
- ***۱- دعا برای شخص دیگر ۷۵
- ***۲- خیرسانی به دیگران ۷۹
- ***۳- حسن ظن و باور به اجابت دعا ۸۰
- ***۴- شکرگزاری و تمجید از خداوند ۸۳
- ***۵- طلب بخشش ۸۵
- ***۶- دعا همراه صلوات ۸۶
- ***قوانین حین دعا ۸۸
- ***۱- اجابت بدون درخواست ۸۸
- ***۲- اجابت قبل درخواست ۸۹
- ***۳- ناامیدی از غیر و امید به خدا ۹۴
- ***۴- دانستن سود و زیان از خداوند ۹۷
- ***۵- غیر خدا را بخوان ۱۰۴
- ***۶- خداوند را این‌گونه بخوان ۱۱۲
- ***۱- با نام‌های نیکو خدا را بخوان ۱۱۳
- ***۲- با تضرع و در خفی خدا را بخوان ۱۱۵
- ***۳- با ترس و امید خدا را بخوان ۱۱۷
- ***۴- با اخلاص و راستی خدا را بخوان ۱۱۷
- ***۷- طریقه صحیح مراجعه به اولیای خدا برای اجابت دعا ۱۲۰
- ***۱- تفاوتِ خواستن از مخلوق و خواستن از خداوند ۱۲۵
- ***دعاهای مستجاب ۱۲۸
- ***۱- دعا در حالت دل شکسته ۱۲۸
- ***۲- دعا در حالت اضطرار ۱۳۰

- ***۳- دعا‌های دسته‌جمعی برای هدف خاص ۱۳۶
- ***۴- سایر دعا‌های مستجاب ۱۳۷
- ***سایر شرایط و آداب دعا ۱۳۸
- ***۱- شرایط زمانی ۱۳۸
- ***۲- شرایط مکانی ۱۳۸
- ***۳- شرایط محیطی ۱۳۹
- ***۴- برخی آداب قبل و بعد از دعا ۱۳۹
- ***نتیجه فصل: نشانه استجاب دعا ۱۴۰
- فصل چهارم: با نکات موجود در دعای پیامبران آشنا شو..... ۱۴۹**
- ***با نکات موجود در دعای پیامبران آشنا شو ۱۵۰
- ***۱- تأثیر دعا هنگام به سر آمدن کاسه صبر ۱۵۱
- ***۲- دقت در کلمات دعا ۱۵۱
- ***۳- گزینه‌های خدا بینهایت است ۱۵۲
- ***۴- نقش عمل در دعا ۱۵۲
- ***۵- علت خواسته‌ها را به خداوند توضیح بده ۱۵۲
- ***۶- کار خیر انجام بده ۱۵۳
- ***۷- به اجابت دعایت امیدوار باش ۱۵۴
- ***۸- تغییر تقدیر آیندگان ۱۵۴
- ***۹- به قدرت خداوند باور داری یا شک؟ ۱۵۵
- ***۱۰- خداوند به راحتی می‌بخشد و نجات می‌دهد ۱۵۷
- ***۱۱- طلب هدایت و پیگیری نشانه‌ها ۱۵۸
- ***۱۲- طلب خیر در دعا ۱۵۹
- ***۱۳- دعا بعد از استغفار ۱۶۰
- ***۱۴- خدا را چقدر باور داری؟ ۱۶۰
- ***۱۵- آیا از امر خداوند تعجب می‌کنی؟ ۱۶۲
- ***۱۶- کیفیت دعا مهم است نه کمیت آن ۱۶۲
- ***۱۷- خدا را با نام رب نیز بخوان ۱۶۳

- ***۱۸- به فرایند دعا توجه کن ۱۶۳
- ***۱۹- یکبار دعا ۱۶۴
- ***۲۰- انتظار و تدارک ۱۶۴
- فصل پنجم: دلایل استجابت نشدن دعا و دعاهای مردود را بشناس** ۱۶۵
- ***دلایل استجابت نشدن دعا ۱۶۶
- ***قسمت اول: آنچه از طرف خداوند است ۱۶۷
- ***۱- حکمت خداوند و مصلحت فرد ۱۶۷
- ***۲- فراموش کردن خداوند در زمان خوشی و آسایش ۱۷۲
- ***قسمت دوم: آنچه از طرف افراد دیگر است ۱۷۳
- ***تنازع در خواست‌ها ۱۷۳
- ***قسمت سوم: آنچه از طرف شخص دعاکننده است ۱۷۷
- ***۱- تنازعات داخلی ۱۷۷
- ***۲- ظرفیت نداشتن تحقق دعا ۱۷۸
- ***۳- گناه ۱۸۰
- ***۴- خواستن چیزهای غیرعقلانی و ناروا ۱۸۲
- ***۵- سایر علل اجابت نشدن دعا ۱۸۳
- ***دعاهای مردود ۱۸۶
- فصل ششم: جمع‌بندی** ۱۸۷
- ***قسمتی از نامه ۳۱ نهج‌البلاغه درباره دعا ۱۸۸
- فهرست منابع** ۱۹۳

پیشگفتار

همه ما درباره دعا کردن بسیار شنیده و خوانده‌ایم و آدابی از دعا را هم آموخته‌ایم، ولی در ذهنمان الگوی مناسبی درباره قوانین و ماهیت دعا وجود ندارد و به همین سبب در ذهنمان دو گزینه وجود دارد: ۱- دعایم مستجاب شد. ۲- دعایم مستجاب نشد.

این اشتباه در تحلیل کردن، کم‌کم ما را به سمت ناامیدی از دعا کردن سوق می‌دهد؛ زیرا گمان می‌کنیم دعا‌های قبلی مان بی‌اثر بوده است و خداوند دعا‌های ما را اجابت نکرده است؛ بنابراین من تصمیم گرفتم با نوشتن این کتاب، چگونگی فرایند اجابت دعا را ترسیم کنم تا هرکسی از این کتاب استفاده می‌کند، در ابتدا بتواند به درستی دعا کند و سپس بتواند دعای خود را تحلیل کند و بفهمد که دعای او در کدام مرحله از فرایند اجابت قرار دارد. بلکه اجابت دعا یک فرایند است که اگر آن فرایند را بدانیم، می‌توانیم دعایمان را مدیریت کنیم تا تحقق آن به دست ما برسد ولی اگر آن فرایند را ندانیم، یا دعایمان مستجاب نمی‌شود و یا اگر بشود، ممکن است به دست ما نرسد و در طی مراحل اجابت، بر اثر ناآگاهی ما، آسیبی به آن وارد شود و از بین برود.

بنابراین اسم این کتاب را «مهندسی فرآیند دعا» نامیدم تا هرکسی که این کتاب را می‌خواند و به قوانین آن عمل می‌کند، بتواند به خواسته دلخواه خود برسد؛ زیرا قوانین خداوند ثابت هستند و هر کس آن قوانین را اجرا کند، نتیجه مشابه می‌گیرد!

در اینجا از کلیه عزیزانی که در نوشتن و نشر این کتاب، به طور مستقیم و غیر مستقیم به این جانب کمک کرده‌اند و به خصوص خانواده‌ام، تشکر می‌نمایم. همچنین از همه عزیزان خواننده، به علت وجود کمبودها، کاستی‌ها و اشتباهات احتمالی کتاب، پوزش می‌طلبم و خواهشمندم نقایص را از طریق ناشر، به این جانب اطلاع دهند تا در چاپ‌های بعدی کتاب، اصلاحات اعمال شود.

سجاد شبانی قهرودی (سین.شین.قاف)

^۱ - فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳ فاطر).

مقدمه

همان‌طور که در پیشگفتار ذکر کردم، در این کتاب به ارائه قوانین و فرآیند اجابت دعا پرداخته می‌شود تا شما بتوانید به سؤالاتتان درباره دعا پاسخ درستی بدهید و بعد از خواندن این کتاب، سؤالی در ذهنتان در باب مسئله دعا باقی نمانده باشد (سعی من این بوده ولی اینکه چقدر توانسته باشم این کار را انجام دهم را شما تعیین می‌کنید).

هنگامی که به همه سؤالات ذهن شما و یا بخش اعظم آن‌ها در باب این مسئله پاسخ صحیح داده شود و فرآیند انجام آن نیز توضیح داده شود، ذهن شما می‌تواند بر اساس الگو و قوانین ثابتی عمل کند و نتایج ثابت را هم دریافت کند. در این کتاب می‌آموزید که چطور دعا کنید تا مستجاب شود و از لحظه‌ای که دعا کردید تا لحظه‌ای که به خواسته‌تان می‌رسید، چه اتفاقاتی برای آن دعا رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، هدف اصلی این کتاب این است که به شما بیاموزد، اگر واقعاً چیزی را می‌خواهید، چطور به آن برسید.

در ادامه لازم است به چند نکته اشاره کنم.

۱- برخی افراد برای رسیدن به خواسته‌شان به جای یادگیری فرایند اجابت دعا، به دنبال دعاهای مختلف و عجیب‌وغریب می‌گردند و نتیجه‌ای هم نمی‌گیرند. اصل اساسی در فرایند اجابت دعا، تأثیر آن دعا بر قلب است و ادعیه مختلف فقط شرایط را برای تأثیر بر قلب آماده می‌کنند و بنابراین جزء فرعیات هستند. گاهی انسان با یک آه کشیدن و سوز دل، به خواسته‌اش می‌رسد و گاهی هم با هزار جور ذکر و دعای مختلف، اثری نمی‌بیند. آنچه در دعا مهم است، کیفیت آن است و نه کمیت آن.

۲- قوانین زیادی در این کتاب ذکر خواهد شد که برخی اصلی و برخی هم فرعی هستند. هدف از ذکر این قوانین این است که هر کس در طی فرایند دعای خود، با آگاهی رفتار کند و بتواند گره کار خود را بیابد. چه‌بسا گره کار شخصی در رعایت نکردن یکی از این قوانین باشد. وجود این‌همه قانون به این معنی نیست که حتماً برای استجاب دعا باید همه این قوانین رعایت شوند بلکه منظور این است که اگر دعایتان مستجاب نمی‌شود، بتوانید گیر کارتان را پیدا کنید و آن را رفع کنید.

۳- دعا کردن فی نفسه بسیار خوب و عالی است؛ زیرا انسان را به خداوند ارتباط می‌دهد، اما هدف اصلی این کتاب این است که قوانین دعا را طوری به شما آموزش دهد که شما بتوانید با استفاده از این قوانین، به هر آنچه می‌خواهید (مادی و معنوی) دست پیدا کنید؛ بنابراین قبل از خواندن این کتاب، هدف و خواسته مشخصی را معین کنید و سپس به مطالعه کتاب پردازید.

۴- وقتی با دعا می‌خواهید به خواسته موردنظر خود برسید، باید محاسبات شخصی و انسانی خود را کمی گسترش دهید و از منظر خداوند به قضایا نگاه کنید. به عبارت دیگر، در حالت عادی، پاسخ دو ضربدر دو مساوی با چهار است ولی هنگامی که دعا می‌کنید، این پاسخ ممکن است تا بینهایت هم بالا برود. در طول این کتاب با این منطق بیشتر آشنا خواهید شد.

۵- در این کتاب سعی شده است مطالب به ساده‌ترین شکل ارائه شود، به طوری که این کتاب برای عموم مردم قابل استفاده باشد؛ بنابراین اگرچه در اسم این کتاب کلمه «مهندسی» به کار رفته است ولی مسئله دعا در این کتاب از باب علمی آن یعنی مسئله «تجرد نفس» و «تلقین» بررسی نشده است و کسانی که می‌خواهند به تحلیل تخصصی و علمی مسئله دعا آگاه شوند، می‌توانند به کتب علامه حسن حسن‌زاده آملی در این باب، مراجعه بفرمایند.

۶- یکی از عوامل مهم در اثرگذاری دعا، «تکرار عبارت‌های تأکیدی مثبت» در دعاست. به عبارت دیگر، شما باید قوانینی که در این کتاب ذکر می‌شود را مدام برای خودتان در غالب جملات تأکیدی مثبتی تکرار کنید تا این قوانین جزء باورهای ذهن شما شوند.^۱ این قوانین تنها وقتی به شما کمک می‌کنند که به باورهای ذهنی شما تبدیل شده باشند.

^۱ - در کتاب «شکر کنید و رشد کنید» به طور مبسوط درباره جملات تأکیدی مثبت توضیح داده‌ام.

*درباره کتاب

این کتاب هفت فصل دارد. در فصل صفرم چهار جهان بینی کلی معرفی می شود و شما متناسب با انتخاب نوع جهان بینی تان، از این کتاب سود خواهید برد. انتخاب نوع جهان بینی، به طور مستقیم با نحوه اجابت دعاهای شما ارتباط دارد.

در فصل اول، به جایگاه و ارزش دعا پرداخته می شود.

در فصل دوم، شما با قدرت های نهفته در دعا آشنا خواهید شد.

در فصل سوم، قوانینی که باید در رابطه با دعا یاد بگیرید را می آموزید. این قوانین زمانی به شما کمک می کنند که جزء باورهای شما شوند و شما در عمل از آن ها استفاده کنید. همچنین مهم ترین قسمت این فصل و این کتاب را باید در نتیجه گیری این فصل که «نشانه استجابات دعا» در آن بیان می شود، جستجو کنید.

در فصل چهارم، ۲۰ قانون یا نکته (برخی در فصل سوم ذکر شده و برخی ذکر نشده) که از دعاهای پیامبران در قرآن کریم استخراج شده است را می آموزید.

در فصل پنجم، به برخی از مهم ترین عوامل استجابات نشدن دعاها پرداخته می شود و همچنین چند نمونه از دعاهای مردود نام برده می شود.

فصل ششم نیز قسمتی از نامه ۳۱ نهج البلاغه است که امام علی (ع)، به زیبایی تمام و در کوتاه ترین جملات، خلاصه کل قوانین دعا را به ما می آموزد.

*روش استفاده از کتاب

نکاتی که در ادامه ذکر می شود، به شما کمک می کند تا بهترین استفاده را از این کتاب ببرید.

۱- اولین نکته این است که: توصیه می کنم قبل از خواندن این کتاب و یا همراه آن، کتاب «شکر کنید و رشد کنید» را مطالعه بفرمایید؛ زیرا به نظر این جانب تا کسی نتواند انسان شاکری باشد و به قوانین شکرگزاری واقف باشد، شالوده تفکرات او سست است و نمی توان بر این شالوده

سست، بنای محکمی را ساخت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «*از هر چیزی که از او خواستید به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد! همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است*^۱»؛ بنابراین اگر شما شکرگزاری را یاد بگیرید، اگر همه دعاهایتان هم مستجاب شود، باز ناشکری خواهید کرد و به رضایت درونی و شادی نخواهید رسید.

شکرگزاری و دعا دو بال اصلی برای رشد انسان هستند، اما به نظر این جانب، اهمیت شکرگزاری بسیار بیشتر از دعاست. شکرگزاری مانند شالوده یک ساختمان و دعا مانند تیرآهن‌های آن است. اگر شما می‌خواهید یک برج بسازید (اهداف بلند)، به دو چیز نیاز دارید. ۱- شالوده بسیار قوی (شکرگزاری). ۲- تیرآهن‌های بسیار زیاد و قوی (خواستن چیزهای بزرگ و زیاد از خداوند) و از آنجایی که انسان هیچ‌گاه از دعا خسته نمی‌شود^۲ (چون سقف آرزوهایش نامحدود است)، بسیار ضروری است که همیشه بر شکرگزاری مداومت کند تا آن شالوده ساختمان حفظ شود.

سپاس و شکر خدا را که بندها بگشاد *میان به شکر چو بستیم، بند ما بگشاد*
به جان رسید فلک از دعا و ناله من *فلک دهان خود اندر ره دعا بگشاد*^۳

خلاصه اینکه، در آن کتاب، معجونی از مسائل اصلی موفقیت در زندگی و همچنین مسائل بنیادی زندگی که ذهن هر انسانی را درگیر می‌کنند مانند مسائل: جبر و اختیار، قضا و قدر، تقدیر و سرنوشت، توفیق، نحوه سلطه شیطان بر انسان، بلا و مصیبت، تفاوت شکر و صبر ایستا و پویا، عقلانیت و خلاقیت، سیاست، آینده بشر، مسئولیت اجتماعی، اسراف و کفران نعمت، علل تفاوت انسان‌ها، نوع نگاه به مسائل زندگی، گسترش سطح فکر انسان و آموزش روش تفکر، دستاوردهای شکرگزاری، نحوه رسیدن به شادی و موفقیت در زندگی و ... را در غالب «*روحیه شکرگزاری*» به نحو مطلوب و مبسوط ارائه کرده‌ام، به طوری که بعد از مطالعه آن کتاب، شما به انسان جدیدی تبدیل خواهید شد و دنیا را با نگاه دیگری خواهید دید که به راحتی می‌توانید در همه ابعاد رشد کنید؛ بنابراین من کتاب حاضر را بر مبنای آن کتاب نوشته‌ام و در این کتاب در مورد هیچ‌کدام از مسائل بالا توضیح نخواهم داد؛ زیرا نمی‌خواهم حجم این کتاب زیاد شود و از هدف اصلی این کتاب که رسیدن به خواسته و هدف موردنظر شما در دعاست، دور شویم.

۱ - وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۳۴ ابراهیم).

۲ - لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ (۴۹ فصلت).

۳ - مولوی.

همچنین باید به این نکته اشاره کنم که کتاب «شکر کنید و رشد کنید»، بیشتر بر پایه عقلانیت و تفکر نوشته شده است و کتاب حاضر بیشتر بر پایه باور و ایمان نوشته شده است و علت این امر هم این است که، ایمان و باوری که ریشه و اساس عقلانی نداشته باشد، نه تنها مفید و مقدس نیست بلکه خطرناکترین ابزارها به دست بشر است. گروه‌هایی مانند خوارج و داعش، کسانی بوده‌اند که ایمان و باوری قوی داشته‌اند ولی باورشان مبدا و ریشه عقلانی نداشته است و این مانند کسی است که ساختمانی را روی آب بسازد.

عقل، ریشه و اساس همه مقدسات است و بدون عقل، امکان اثبات هیچ چیز مقدسی در دنیا وجود ندارد. عقل پیامبر درونی انسان است و پیامبر بیرونی فقط وقتی می‌تواند به کمک انسان بیاید که انسان از این پیامبر درونی به خوبی استفاده کرده باشد. همچنین آموزه‌های آن پیامبر بیرونی تا وقتی معتبر است که در راستای فهم و درک این پیامبر درونی باشد؛ مثلاً اگر سخنی به پیامبر بیرونی نسبت داده شد که با مبانی اصلی و واضح این پیامبر درونی مغایرت داشته باشد، انسان باید علت آن گفته را از آن پیامبر بیرونی و یا کسانی که خود را به او نسبت می‌دهند، سؤال کند و فقط اگر آن‌ها دلیل واضح و روشنی بر این گفته ارائه کردند که عقل سلیم و حق خواه آن را می‌پذیرد، ما مکلفیم که آن سخن را بپذیریم ولی اگر آن سخن مبنای عقلی نداشت، حرف مفتی بیش نیست.^۱

پیروان تمام ادیان الهی، اگر بعد از پیامبرشان، به این روش عمل می‌کردند، هیچگاه گمراه نمی‌شدند ولی امان از آن زمانی که مردم از عقل خود استفاده نمی‌کنند و عده‌ای سودجو هم خود را به پیامبر بیرونی نسبت می‌دهند و با ساخت حرف‌های بی‌منطق و نسبت دادن آن‌ها به آن پیامبر بیرونی، بر مردم حکومت می‌کنند. علمای گمراه دین یهود، با همین شیوه اموال مردم را می‌خوردند، کلیسا در دین مسیحیت، با همین شیوه مسیحیان را به مشتی وحشی خرافاتی تبدیل کرد و کسانی مانند معاویه، یزید، عبدالله بن زبیر و ... در گذشته و حاکمان بی‌مغز عربی و ... در زمان حال، کسانی هستند که به همین روش، بر مردم بی‌عقل حکومت کرده‌اند و خواهند کرد.

^۱ - در قرآن کریم نیز به وضوح می‌بینیم که خداوند و پیامبران بر اساس گفته‌های کاملاً عقلانی، انسان‌ها را دعوت به ایمان کرده‌اند و اینگونه نبوده که پیامبری بیاید و به قومش بگوید: به من ایمان بیاورید چون من پیامبرم بلکه پیامبران با استدلالات کاملاً عقلانی به دعوت مردم پرداخته‌اند و قرآن کریم نیز مدام به انسان گوشزد می‌کند که: ای انسان آیا تعقل نمی‌کنی؟؛ بنابراین پیامبران بیرونی راهی را معرفی می‌کنند که با عقل درونی انسان همخوانی دارد.

کسی که ایمان ندارد، به صحنه عاشورا نمی‌آید ولی کسی که ایمان اشتباه دارد، امام حسین (ع) را برای رضای خداوند می‌کشد؛ بنابراین علت دیگری که تاکید می‌کنم قبل از مطالعه این کتاب، کتاب «شکر کنید و رشد کنید» را بخوانید، این است که شما قبل از قوی شدن باور در وجودتان، نیاز به قوی کردن شیوه تفکر و استنباط‌های عقلی در وجودتان دارید؛ بنابراین این کتاب، ادامه‌ای از سبک زندگی است که در کتاب نام برده شده، به آن پرداخته‌ام.

۲- دومین نکته این است که: حتماً این کتاب را از اول شروع کنید و به همین ترتیبی که مطالب ارائه می‌شود آن را مطالعه کنید. اگر کسی مطالب این کتاب را به دلخواه و به صورت جسته‌وگریخته بخواند، مسئولیت درست متوجه نشدن مطالب و یا نتیجه نگرفتن از دعا، به عهده خود اوست.

۳- سومین نکته این است که: شما تا زمانی که این کتاب را کاملاً نخوانده‌اید و به الگوریتم کلی دعا و قوانین آن مسلط نشده‌اید، نمی‌توانید قضاوت صحیحی درباره دعاهایی که تا به حال کرده‌اید و فکر می‌کنید اجابت نشده‌اند داشته باشید؛ بنابراین قبل از هرگونه قضاوتی، این کتاب را به پایان برسانید تا به دیدی عمیق و گسترده درباره موضوع دعا دست پیدا کنید.

۴- چهارمین نکته این است که: مطالعه بخش «آیات و روایات» در هر قسمت، کمک شایانی به قوی شدن باورهای شما درباره آن قسمت از بحث می‌کند و همانطور که می‌دانید و در این کتاب هم بیشتر با این موضوع آشنا خواهید شد، در دعا نیاز به باور قوی وجود دارد و باورها نیز با تکرار کردن قوی می‌شوند؛ بنابراین با تکرار خواندن مطالب این قسمت، به راحتی می‌توانید باورهایتان را قوی کنید.

تقدیم به:

همه‌ی انسان‌های نیلوفری

هر نیلوفر به تو می‌گوید:

حتی اگر همه جهان زشت است، تو زیبای خودت باش!

فصل صفرم

جهان بینیات را انتخاب کن

*جهان بینی‌ات را انتخاب کن

تا کدامین را تو باشی مستعد

وان یکی بانگش فریب آشقی^۱

از جهان دو بانگ می‌آید به ضد

آن یکی بانگش نُسور اتقی^۲

قبل از هر چیز، شما باید جهان بینی خودتان را انتخاب کنید و بر مبنای آن جهان بینی به مطالعه این کتاب بپردازید. در ادامه چهار نوع جهان بینی را تعریف می‌کنم و توضیحات مختصری درباره چگونگی استفاده طرفداران هر کدام از این جهان بینی‌ها از این کتاب ارائه می‌دهم.^۱ همچنین نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم را که متناسب با حالات هر گروه است، در پاورقی ذکر خواهم کرد تا دوستانی که مایل به اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر بودند، بتوانند از این آیات استفاده کنند. در این دسته‌بندی‌ها، مبنا این است که شخص به خداوند اعتقاد دارد.

علت اینکه این جهان بینی‌ها در این کتاب ذکر می‌شود این است که بگوییم: «طرفداران هر کدام از این گروه‌ها، با انتخاب جهان بینی خودشان، با زبان بی‌زبانی یک درخواست ریشه‌ای و اصلی از خداوند کرده‌اند که این درخواست اصلی، شالوده بقیه درخواست‌های این افراد از خداوند را تشکیل می‌دهد». به عبارت دیگر، خداوند قبل از اینکه دعای زبانی کسی را اجابت کند، به نوع جهان بینی که او انتخاب کرده نگاه می‌کند و سپس دعای او را مطابق با همان جهان بینی اجابت

^۱ - مولوی.

^۲ - موضوع جهان بینی نیاز به کتاب مستقلی دارد ولی در اینجا فقط درباره کلیات صحبت می‌کنم.

می‌کند؛ بنابراین در انتخاب جهان‌بینی خود، نهایت دقت را به خرج دهید. با توجه به این توضیحات، چهار گروه که جهان‌بینی‌های متفاوتی دارند را در ادامه معرفی می‌کنم.

**** گروه اول: کم خواهان (سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت):**

کسانی که فقط از خداوند دنیا را می‌خواهند.

**** گروه دوم: عاقبت خواهان (سرمایه‌گذاری بلندمدت):**

کسانی که فقط از خداوند جهان پس از مرگ (آخرت) را می‌خواهند.

**** گروه سوم: زیاده‌خواهان (سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت)**

کسانی که از خداوند هم دنیا و هم آخرت را می‌خواهند.

**** گروه چهارم: همه‌چیز خواهان (سرمایه‌گذاری بسیار بلندمدت)**

کسانی که از خداوند نه دنیا و نه آخرت را می‌خواهند. این گروه فقط خود خداوند را می‌خواهند.

در ادامه کمی درباره هر کدام از این گروه‌ها صحبت می‌کنم و نحوه استفاده این افراد از این کتاب را توضیح می‌دهم.

**** گروه اول: کم خواهان (سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت):**

این گروه خداوند را قبول دارند ولی فقط از او دنیا را می‌خواهند و به همین دلیل، خداوند به آن‌ها دنیا را به میزان تلاش و اعمالشان عطا خواهد کرد ولی این گروه در دنیای دیگر وضعیتشان خوب

نیست^۱. به عبارت دیگر، این گروه فقط به اندازه سطح فکرشان از خداوند دریافت می کنند. این ها فقط دنیا را از خداوند خواسته اند و خدا هم خواسته آن ها را به ایشان می دهد و چون برای دنیای دیگرشان چیزی نخواستند، پس خداوند در آن دنیا چیزی به آن ها نخواهد داد. خداوند به این گروه سفارش می کند که به گروه سوم بپیوندند^۲. عده ای از این گروه هم هستند که در دنیا نیز ضرر می کنند و در نتیجه، هر دو دنیا را از دست می دهند^۳.

مبنای فکری این گروه:

دو مبنای فکری این گروه عبارتند از:

۱- لذت بردن در بازه زمانی کوچک:

به دلیل سطح فکر پایین این افراد، لذت های آن ها نیز باید آنی و لحظه ای باشد و اگر از لذتی در زندگی چشم پوشی کنند، فقط به دلیل رسیدن به لذتی بالاتر در همین دنیا است. در واقع این گروه می خواهند خیلی سریع نتیجه کارهای خود را ببینند.

۲- ایمان به محسوسات:

مبنای فکری دیگر این گروه، اصالت دادن به حس های پنج گانه بشر است. به عبارت دیگر، آنچه را حواس پنج گانه بشر درک نکند، در زندگی این افراد معنا ندارد. ایمان این افراد به خداوند هم خیلی ضعیف است ولی مثل کسانی نیستند که خداوند را انکار کنند.

توصیه به این گروه:

^۱ - (مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۶ هود); (فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ ۲۰۰ بقره); (فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹) ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ ۳۰ نجم); (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۷ روم); (بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۱۶ اعلی); (فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ (۳۷) وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۳۹ نازعات).

^۲ - مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱۳۴ نساء).

^۳ - (لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۱۴ بقره); (لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۳۴ رعد); (الَّذِينَ ضَلَّ سَبِيلُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۱۰۴ كهف); (كَلَّا فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ نُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ۹ حج).

شما باید همه تلاشتان را بکنید که در این دنیا به همه خواسته‌هایتان برسید و بنابراین با اصرار در دعا (که در فصل سوم بررسی خواهد شد)، حتماً به آنچه می‌خواهید خواهید رسید؛ زیرا از نظر خداوند، شما اولویت اول اجابت دعاهای مادی را در بین سایر گروه‌ها در دنیا دارید. به عبارت دیگر، چون شما فقط دنیا را از خداوند خواسته‌اید، اگر کمی تلاش کنید، خداوند به‌طور ویژه دنیا را به شما عطا خواهد کرد.

*** گروه دوم: عاقبت خواهان (سرمایه‌گذاری بلندمدت):

این گروه توانایی ریسک کردن ندارند و به همین علت به‌شدت از دنیا پرهیز می‌کنند تا مبادا گرفتار زرق و برق آن و انحرافاتش بشوند. نحوه استدلال کردن این گروه مانند کسی است که پولش را از ترس ضرر از بین رفتن یا هر چیز دیگری، فقط در حساب بلندمدت بانک که به پول، سود ثابت و مطمئن سالانه می‌دهد، سرمایه‌گذاری می‌کند. خداوند درباره این افراد می‌فرماید که اگر آن‌ها مؤمن باشند و تلاش هم بکنند، به‌طور یقین به سود خود خواهند رسید و در دنیای دیگر زندگی خوبی را خواهند داشت،^۱ ولی زندگی دنیایشان زیاد جالب نیست زیرا این گروه دنیا را از خداوند طلب نکرده‌اند.

مبنای فکری این گروه:

دو مبنای فکری این گروه عبارت‌اند از:

۱- ترس از سقوط:

یکی از مبانی فکری این گروه این است که، این گروه از ترس اینکه دچار خطرات دنیا نشوند، کل دنیا را کنار می‌گذارند؛ مانند کسی که از خطر جاده چالوس می‌ترسد و به همین دلیل از جاده دیگری می‌رود و زیبایی‌های این جاده را فدای ترس‌های این جاده می‌کند که این نوع تفکر، ناشی از

^۱ - (وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا ۱۴۵ آل عمران)؛ (وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۱۹ اسراء)؛ (وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۱۵۲ آل عمران)؛ (۱۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۲۰ شوری).

عدم توکل و اعتماد این افراد به حفاظت الهی است. در واقع این افراد به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک می‌کنند.

۲- عدم امکان جمع دودنیا:

این گروه، خداوند دنیا و آخرت را از هم جدا می‌پندارند^۱ و فکر می‌کنند که نمی‌شود هم در دنیا و هم در آخرت زندگی خوبی را تجربه کرد. به عبارت دیگر، این گروه جهان آخرت را نماد خدا و دنیا را نماد شیطان می‌دانند (البته در زبان این را نمی‌گویند) و به همین علت، بین شیطان و خداوند، خداوند را انتخاب می‌کنند که این انتخابشان ناشی از عدم شناخت قدرت و فضل خداوند است.

توصیه به این گروه:

با نوع انتخابی که شما انجام داده‌اید، دعا‌های مادی شما در این دنیا به‌سختی اجابت خواهد شد؛ بنابراین این کتاب در حوزه مسائل مادی، کمک شایانی نمی‌تواند به شما بکند ولی برای مسائل غیرمادی شما بسیار مناسب است.

**گروه سوم: زیاده‌خواهان (سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت)

این گروه می‌دانند که جایگاه اصلی و حقیقی انسان، دنیای دیگری است (مقصد آخرت است) ولی به دنیا مانند یک مسیر و راه به سمت آن جهان نگاه می‌کنند و استدلالشان این است که: «درست است که مقصد جای دیگری است، ولی چه کسی ما را از طی کردن این مسیر به بهترین شکل و با بهترین وسایل منع کرده است؟»

فرض کنید که شما می‌خواهید از تهران به مشهد بروید. استدلال این گروه این است که: «زمانی که می‌شود این مسیر را با بهترین ماشین و از جاده‌های زیبای شمال رفت (فرض کنید هواپیما و قطار اختراع نشده)، چرا با خر و شتر و از بیابان برویم؟». خداوند درباره این گروه می‌فرماید که

^۱ - فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (۲۵ نجم).

من هم دنیا و هم آخرت را به این گروه عطا خواهیم کرد؛ زیرا این‌ها هردو را از من خواسته‌اند.^۱ نکته مهم درباره این گروه این است که نباید پابند مسیر شوند و مقصد را فراموش کنند. به عبارت دیگر، نباید جای اصل و فرع را اشتباه بگیرند.^۲

مبنای فکری این گروه:

دو مبنای فکری این گروه عبارت‌اند از:

۱- امکان جمع دودنیا:

این گروه بر این باورند که خداوند از انسان عمل خوب می‌خواهد و اگر انسان خوب زندگی کند و ظرفیتش را داشته باشد، می‌تواند در هر دودنیا بهشت را تجربه کند. این گروه خداوند را محدود نمی‌کنند و همه‌چیز را باهم از خداوند طلب می‌کنند. اعتقاد به فراوانی در جهان هستی، از اصول اصلی آن‌هاست.

۲- توکل:

باور دیگر این گروه این است که فرار نیست ما به خاطر ترس‌هایمان از همه‌چیز فرار کنیم. درست است که دنیا بسیاری از غفلت‌ها را با خود دارد ولی همین دنیا دارای بسیاری از نعمت‌ها و آیات الهی است که ما را به سمت خداوند هدایت می‌کنند. کوه‌ها، جنگل‌ها، آسمان، دریاها، کهکشان‌ها و همه زیبایی‌های دنیا از نشانه‌ها و آیات الهی برای این گروه است که موجبات شکر و

^۱ - (مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا نَصِيرًا ۱۳۴ نساء)؛ (وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ فِنا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱) أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۲۰۲ بقره)؛ (فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۱۴۸ آل عمران)؛ (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۳۲ اعراف)؛ (وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا مُسْتَمِعُونَ ۱۵۶ اعراف)؛ (لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ ۶۴ يونس)؛ (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ۳۰ نحل)؛ (وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَنَجْزِيَنَّ الْآخِرَةَ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۱ نحل)؛

^۲ - (أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۳۸ توبه)؛ (أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ ۸۶ بقره)؛ (فَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَتَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۳۶ شوری)؛ (يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنِ الْآخِرَةُ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۳۹ غافر)؛ (فَلَا تَعْرَنَّهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغْرَبَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ ۳۳ لقمان).

رشد این گروه را فراهم می‌کند. همچنین این گروه در رابطه با خطرات این دنیا به خداوند توکل می‌کنند و به جای ایمان به ترس، به خداوند ایمان دارند.

توصیه به این گروه:

این کتاب دقیقاً برای شما نوشته شده است و با استفاده از این کتاب، می‌توانید به هرچه که می‌خواهید در دودنیا دست پیدا کنید.

**گروه چهارم: همه‌چیز خواهان (سرمایه‌گذاری بسیار بلندمدت)

داستان این گروه با بقیه متفاوت است. این گروه کسانی هستند که قلبشان از عشق خداوند سرشار است و جز او چیزی را نمی‌خواهند. استدلال این گروه این است که: ((وقتی آیات و نشانه‌ها و نعمت‌های خداوند انقدر شیرین و زیبا است، خود آن خدا باید چقدر زیبا و خوب باشد؟)) به همین دلیل، آن‌ها سعی می‌کنند روح الهی خودشان را از هر تعلقی جز خداوند رها کنند و همه آرزویشان لقای خداوند است^۱ (البته همه انسان‌ها به لقای خداوند خواهند رفت^۲ ولی این گروه با شور و شوق به سمت لقای خداوند می‌روند).

مبنای فکری این گروه:

دو مبنای فکری اصلی این گروه عبارت‌اند از:

۱- علت اصلی:

این گروه داستان وجود انسان را روحی الهی می‌دانند که از خداوند جدا شده و در آخر هم باید به همان اصل خویش برگردد^۳؛

^۱ - مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵ عنکبوت)

^۲ - قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (۳۱ انعام).

^۳ - إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶ بقره).

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش^۱

بنابراین از همه اضافات و تعلقاتی که این اصل مهم را مخدوش کند، پرهیز می کنند تا به خواسته خود برسند.

نشانی داده اندت از خرابات

که التوحید اسقاط الاضافات^۲

خیلی از انسان ها به این اصل معتقدند ولی این گروه با این اصل زندگی می کنند.

۲- لذت لقا:

همچنین این گروه از همه لذت ها به خاطر لذت وصال پروردگارشان چشم پوشی می کنند و به همین دلیل، چیزهایی که درک می کنند^۳، بهشتی که می روند^۴ و حساب و کتابشان^۵، با همه انسان های دیگر متفاوت است.

خواهش از این گروه:

من فقط از این گروه التماس دعا دارم و برایشان آرزوی موفقیت می کنم. در کتاب «شکر کنید و رشد کنید» در قسمت «مقام عشق»، بیشتر درباره این گروه توضیح داده ام و در اینجا فقط به قسمتی از یک شعر از «گلشن راز» شیخ محمود شبستری درباره این گروه اکتفا می کنم.

^۱ - مولوی.

^۲ - شیخ محمود شبستری.

^۳ - سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱ انسان).

^۴ - وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰ فجر).

^۵ - وَ مَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹) إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۴۰ صافات).

خودی کفر است ور خود پارسایی است
که التوحید اسقاط الاضافات
مقام عاشقان لابلالی است
خرابات آستان لامکان است
که در صحرای او عالم سراب است
نه آغازش کسی دیده نه غایت
نه کس را و نه خود را بازیابی
همه نه مؤمن و نه نیز کافر
به ترک جمله خیر و شر گرفته
فراغت یافته از ننگ و از نام
خیال خلوت و نور کرامات
ز ذوق نیستی مست اوفتاده

خراباتی شدن از خود رهایی است
نشانی داده‌اندت از خرابات
خرابات از جهان بی‌مثالی است
خرابات آشیان مرغ جان است
خراباتی خراب اندر خراب است
خراباتی است بی حد و نهایت
اگر صد سال در وی می‌شتابی
گروهی اندر او بی پا و بی سر
شراب بیخودی در سر گرفته
شرابی خورده هر یک بی لب و کام
حدیث و ماجرای شطح و طامات
به بوی دردی از دست داده

نکاتی درباره این چهار جهان‌بینی:

۱- عمل اصل است: شرط رسیدن انسان به خواسته‌اش در هر کدام از این چهار گروه، عمل است. به عبارت دیگر، این‌طور نیست که فقط با یک انتخاب و بدون تلاش و کار، چیزی نصیب کسی شود.

۲- انتخاب جهان‌بینی اصلی‌ترین دعای هر شخص است: بیشتر تقدیرات و اتفاقات شما در زندگی، به نوع جهان‌بینی که انتخاب می‌کنید وابسته است. مثلاً فرض کنید که شما جهان‌بینی گروه یک را انتخاب کرده‌اید و انسان دیگری گروه دوم را انتخاب کرده است. به این ترتیب احتمالاً شما زندگی خوب و خوشی را در این دنیا از نظر مادی تجربه خواهید کرد ولی آن شخص به انواع و اقسام گرفتاری‌ها و مشکلات دچار خواهد شد. نه خوشی‌های شما و نه گرفتاری‌های او، دلیلی بر خوب بودن شما و بد بودن آن شخص نیست و تفاوت این اتفاقات، به دلیل تفاوت انتخاب جهان‌بینی شما و آن فرد است. پس در انتخاب جهان‌بینی خود و همچنین قضاوت کردن افراد پرهیزید.

۳- اصالت اعمال انسان: اصالت انجام هر کاری که انسان آگاهانه و با اختیار خودش انجام می‌دهد، «لذت» و یا «امید رسیدن به لذت» است. به عبارت دیگر، انسان مختار فقط کاری را انجام می‌دهد که از آن لذت می‌برد و یا به امید رسیدن به لذت در آینده، آن کار را انجام می‌دهد. چند مثال در این رابطه می‌زنم.

به چهار گروه بالا دقت کنید، گروه اول فقط لذت را در چیزهای مادی می‌داند و به همین دلیل بر مبنای همین لذات زندگی‌اش بنا شده است. گروه دوم بر مبنای لذت در جهان دیگر زندگی می‌کند و به همین دلیل، قادر است هر سختی و بدبختی را در این دنیا به امید لذت در دنیای دیگر تحمل کند. گروه سوم لذت را در دودنیا می‌طلبد و به همین دلیل نه کاری می‌کند که لذت آخرتش خراب شود و نه کاری می‌کند که لذت دنیایش خراب شود و گروه چهارم نیز از همه لذت‌ها خود را محروم می‌کند تا به «لذت اللذات» یعنی خداوند برسد.

بهشت و جهنم نیز چیزی جز لذت بردن و لذت نبردن نیست. بهشت جایی است که انسان همه جور لذتی را می‌تواند تجربه کند و جهنم جایی است که هیچ لذتی در آن وجود ندارد.

مثال‌های دیگری می‌زنم. کسی که خودکشی می‌کند، گرچه از آن عمل لذتی نمی‌برد ولی آن عمل را به امید رسیدن به لذت آرامش انجام می‌دهد و یا کسی که روز و شب به سختی کار می‌کند، این عمل را به امید لذت موفقیت انجام می‌دهد و یا کسی که از مرگ می‌ترسد، درواقع به دلیل از بین رفتن لذت وجودش از مرگ می‌ترسد ولی مومنی که به دنیای دیگر ایمان دارد، به راحتی به استقبال مرگ می‌رود. به طور کلی، ترس‌ها چیزهایی هستند که لذت‌های انسان را به خطر می‌اندازند و به همین دلیل انسان از آن‌ها فراری است.

همچنین بدترین چیزها این است که انسان مجبور به انجام کاری باشد که از آن لذت نمی‌برد. این اجبار یا از جهان بیرون بر انسان تحمیل می‌شود مانند اجبار کردن یک انسان به انجام کاری که آن را دوست ندارد و یا از طریق ترس‌ها و افکار نادرست درونی خود فرد، او را به زنجیر می‌کشند.

خداوند هم که می‌داند ذات انسان بر اساس لذتجویی ساخته شده است، برای هدایت انسان همین نقطه را نشانه می‌رود و با دلایل عقلی، انسان را به لذت‌های بهتر و با سطح کیفیت بالاتر دعوت می‌کند. مثلاً درباره نسبت دنیا و آخرت می‌گوید: *این دنیا در برابر آن دنیا مثل کالایی است*

پس ای انسان طالب لذت، به دنبال لذت آن دنیا نیز باش^۱؛ یا در جاهای مختلف قرآن کریم، خداوند خود را یک معامله گر معرفی می کند و می گوید: ای انسان ها، هرکس مرد معامله کردن با من است، بیاید جلو تا باهم معامله ای کنیم که شما به سود و لذت زیادی برسید.^۲

بنابراین همه انسان ها در حالت عادی بر مبنای «لذت» و یا «امید رسیدن به لذت» کاری را انجام می دهند و یا ترک می کنند. به عبارت دیگر، هر کاری که یک بشر در طول کل تاریخ بشریت، برای بار دوم به اختیار خودش انجام داده باشد، در آن کار لذت وجود دارد (انسان بار اول ممکن است ندانسته کاری را انجام دهد). اعتیاد لذت دارد، غیبت لذت دارد، نماز لذت دارد، ورزش لذت دارد، غر زدن و شکایت کردن لذت دارد، خیانت به همسر لذت دارد، شراب خوردن لذت دارد، ریاضت کشیدن مانند مرتاض ها لذت دارد، گدایی لذت دارد، غمگین بودن لذت دارد، خوردن پول مردم لذت دارد، روزه گرفتن لذت دارد، تعهد داشتن لذت دارد و ... تفاوت فقط در میزان دوام و حقیقی یا غیرحقیقی بودن این لذت هاست. به عبارت دیگر، تمام کارهایی که از طرف خداوند حرام اعلام شده اند، کارهایی هستند که دو ویژگی دارند. ۱- لذتشان مقطعی و کوتاه است ۲- لذتشان حقیقی نیست و در دل خود عذاب و گرفتاری دارند. دقیقاً عکس همین مطلب درباره کارهای واجب صدق می کند. کارهای واجب لذتی باثبات و پیوسته در انسان ایجاد می کنند و جزء لذت های حقیقی هم هستند که در دل خود هزاران برکت و لذت دیگر دارند. پس:

آگاهانه لذت را انتخاب کن و دلیل عاقلانه برای لذت داشته باش.

۱ - (ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ ۱۴ آل عمران)؛ (قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى ۷۷ نساء)؛ (فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۳۸ توبه)؛ (وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ۲۶ رعد)؛ (وَ مَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أ فَلَا تَغْفُلُونَ ۶۰ قصص).

۲ - (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ تَجاهِدُونَ فِي سَبِيْلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يَدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَساكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۲ صف)؛ (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عَداً عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أوفى بَعْثِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۱۱ توبه).

نتیجه اول:

تمام جنگ‌های بشر بر سر همین کلمه «لذت» و نوع تعریف آن در روابط فردی و اجتماعی است. انسان‌ها با جهان‌بینی‌های مختلف (من در اینجا فقط چهار گروه کلی را که به خدا ایمان داشتند ذکر کردم وگرنه جهان‌بینی‌ها بسیار گسترده است)، لذت را در سطوح مختلفی تعریف می‌کنند و چون لذت‌های هر جهان‌بینی با جهان‌بینی دیگر متفاوت و گاهاً متعارض است، انسان‌ها به کشتن یکدیگر روی می‌آورند. در نتیجه بهتر است هر انسان برای راحتی خود، درجایی زندگی کند که افراد با جهان‌بینی شبیه به او وجود دارند تا به این ترتیب بتواند به لذت‌های موردنظر خود دست بیابد. نکته مهم این است که با توجه به آیات قرآن، خداوند انسان را مجبور به ایمان آوردن نکرده است.^۱ او فقط راه‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف را به انسان نشان داده^۲ و عاقبت و پایان هر راه را نیز بر انسان معلوم کرده و به او گفته است که هر کدام را خواستی انتخاب کن^۳. انسان در انتخاب راه خود آزاد است.

نتیجه دوم:

برای تغییر دادن رفتار اشتباه یک انسان، دو راه اصلی وجود دارد (در اینجا برای اعتیاد مثال می‌زنم).

۱- راه اول: آن انسان را با لذت یا لذت‌های بالاتر از لذت آن کار اشتباه آشنا کنیم؛ به طوری که جمع بین این دو لذت ممکن نباشد. مثلاً یک معتاد را با لذت‌هایی مانند، محبت الهی، ورزش، عشق، احساس عزت نفس، احساس احترام و دوست داشته شدن از جانب اجتماع و مردم، احساس مسئولیت، احساس توانمندی و ... آشنا کنیم و سپس به او بفهمانیم که اعتیاد با این لذت‌ها قابل جمع نیست.

۲- راه دوم: کاری کنیم که لذت آن کار اشتباه برای آن فرد از بین برود. مثلاً گروه پزشکی به طور آگاهانه و کنترل شده، شروع به ساختن یک داستان کنند که در آن، انواع و اقسام توهین‌ها به آن فرد معتاد بشود و دلیل آن را هم به اعتیاد نسبت دهند. برای مثال کسانی از طرف گروه پزشکی در خیابان به معتاد تعرض کنند و پول‌های او را بگیرند و کمی هم گوشمالی‌اش دهند و علت آن را

^۱ - لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (۲۵۶ بقره).

^۲ - إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳ انسان).

^۳ - لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ (۶ کافرون).

ضعیف بودن آن معتاد ذکر کنند. کسان دیگری از طرف گروه به مسخره کردن و توهین به معتاد بپردازند و علت آن را اعتیاد ذکر کنند. با هماهنگی با خانواده فرد معتاد، فرزندان و همسر شخص، او را از نظر عاطفی طرد کنند و علت آن را اعتیاد ذکر کنند. نکته مهم در این روش این است که نباید به عزت نفس و وجود آن فرد توهین شود بلکه تمام این خفت‌ها باید به اعتیاد او نسبت داده شود تا فرد به این نتیجه عمیق درونی برسد که خودش موجود ارزشمندی است ولی این اعتیاد است که او را بدبخت کرده است. به این شکل، فرد به اراده‌ای درونی برای ترک اعتیاد خواهد رسید.

نکته مهم: حالا که با این چهار نوع از جهان‌بینی آشنا شدید، باید بگوییم که من این کتاب را بر مبنای جهان‌بینی گروه سوم نوشته‌ام و مطالب این کتاب با این نوع نگاه نوشته شده است. البته این به این معنی نیست که بقیه گروه‌ها نمی‌توانند از این کتاب استفاده کنند بلکه به این معنی است که ممکن است برخی مطالب این کتاب، برای سه گروه دیگر قابل درک و استفاده نباشد.

صفحه اول